

ادعای عامل پنجر کردن آمبولانس اورژانس

گرمای هوا و ترافیک مرا عصبی کرد

گروه حوادث- مرجان همایونی/ راننده اتوبوسی که اقدام به پنجر کردن لاستیک آمبولانس کرده بود در تحقیقات اولیه مدعی شد گرمای هوا و ترافیک باعث شده بود عصبی بشوم و لاستیک‌ها را پنجر کنم.

به گزارش «ایران»، ظهر سه‌شنبه ۲۴ خرداد مأموران سازمان اورژانس برای مأموریت راهی مطب پزشکی در خیابان شهید بهشتی شدند تا طبق تماس از سوی مطب، دختری حدود ۲ ساله به نام درسا را که به خاطر مشکل تنفسی به مطب منتقل شده بود به بیمارستان انتقال دهند. بانچه به ترافیک و نبود جای پارک، راننده آمبولانس مجبور شد خودرو را در خط ویژه پارک کند، اما زمانی که تیم امداد دقیقی بعد به همراه کودک دو ساله به سمت آمبولانس رفتند با پنجری دو لاستیک سمت شاگرد مواجه شدند.

نیروهای اورژانس درخواست حضور آمبولانس دیگری دادند. دقیقی بعد آمبولانس در محل حاضر شد، اما تأخیر در انتقال کودک به دلیل این حادثه باعث وخامت مجدد حال کودک می‌شود و این دختریچه دوساله جان خود را از دست می‌دهد. به دنبال مرگ کودک، بلافاصله موضوع به بازپرس کشیک قتل و تیم بررسی صحنه جرم اعلام شد. تحقیقات بلافاصله آغاز و با حضور کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل و بازبینی دوربین‌های مداربسته

اطراف محل حادثه، مشخص شد که خودروی آمبولانس توسط راننده یک اتوبوس پنجر شده است. **■ دستگیری راننده اتوبوس** با شناسایی راننده اتوبوس و پس از هماهنگی‌های قضایی، کارآگاهان اداره دهم، راننده ۳۹ ساله را بازداشت کردند.

دادستان عمومی و انقلاب تهران نیز با اعلام خیر دستگیری متهم گفت: راننده اتوبوسی که روز سه‌شنبه اقدام به پنجر کردن لاستیک‌های آمبولانس اورژانس کرده بود در کمتر از ۲۴ ساعت، شناسایی و دستگیر شد. علی صالحی ادامه داد: به محض اطلاع از موضوع و با توجه به بررسی تصاویر دوربین‌های مداربسته و مشخص شدن نحوه پنجر کردن لاستیک‌های آمبولانس، شناسایی و دستگیری فرد خاطی در دستور کار دادستانی تهران و دادسرای جنایی قرار گرفت و پس از بررسی‌های لازم طی عملیاتی متهم در منزل خود در خانی‌آباد دستگیر شد. این متهم که راننده اتوبوس است با صدور قرار تأمین کفایتی در بازداشت بسر می‌برد و جسد کودک دو ساله هم برای تعیین علت فوت به پزشکی قانونی منتقل شده است.

■ اظهارات پزشک معالج خانم دکتری که درسا کوجولو برای درمان به مطب او انتقال داده شده بود به «ایران» گفت: روز حادثه خانه بودم که خانواده درسا با من تماس گرفتند



را از دست بدهد. آن موقع اصلاً این موارد به ذهنم نرسید. **■ بعد از پنجر کردن آمبولانس چکار کردی؟** راه جلو که بسته بود، مجبور شدم همان مسیری که آمده بودم را دنده عقب بروم تا به یک دو راهی برای رفتن به خط برگشت اتوبوس برسم. مسافت زیادی بود و در خط ویژه تمام این مسیر را دنده عقب رفتم. **■ کی متوجه شدی که این کار باعث مرگ یک کودک شده است؟** فردای آن روز در فضای مجازی

بررسی‌های صورت گرفته حکایت از آن دارد که خانواده درسا هنوز برای شکایت به دادسرا مراجعه نکرده‌اند و شکایتی از راننده یا شکایت‌های دیگری در رابطه با مرگ درسا از سوی خانواده‌اش ثبت نشده است. این در حالی است که در صورت شکایت خانواده درسا و اورژانس از راننده اتوبوس و مشخص شدن میزان قصور او، ممکن است وی با اتهام قتل شبه عمد و تخریب اموال عمومی روبرو شود.

اما زمانی که از مطب بیرون آمدم تکنسین‌های اورژانس به سراغ آمبولانس رفتند و متوجه شدند که دو تا از چرخ‌های آن پنجر شده است. فوراً درخواست آمبولانس دیگر دادند تا آمبولانس دوم بیاید حدود ۱۰ دقیقه‌ای طول کشید اما متأسفانه بچه فوت کرد چون بچه به دستگاه اکسیژن وصل بود با هر حرکت نا بجایی ممکن بود حادثه‌ای رخ دهد که متأسفانه این اتفاق افتاد.

سناریوی مرد بدهکار برای قتل شریکش



گروه حوادث/ مرد بدهکار که به دنبال اختلاف مالی با دوستش او را پس از بیهوش کردن با چاقو به قتل رسانده بود از سوی قضات شعبه یکم دادگاه قیفری استان البرز به قصاص محکوم شد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، اردیبهشت سال ۹۹ گزارش مرگ مرموز مرد جوانی به پلیس آگاهی استان البرز اعلام شد. گذشت کلانتری بلافاصله در محل جنایت که یک کارگاه تولیدی در کرج بود حاضر و با جسد مرد ۳۲ ساله‌ای به نام حامد روبه‌رو شدند که از ناحیه گردن زخمی شده و به قتل رسیده بود.

محمد عنبری بازپرس شعبه یکم دادسرای جنایی کرج خیلی زود خودش را به صحنه جنایت رساند و در نخستین گام دستور داد، جسد به پزشکی قانونی منتقل شود. سپس کارآگاهان به بازجویی از شریک مقتول پرداختند که در محل حضور داشت. وی مدعی شد صبح مثل همیشه به دفتر کارش آمده اما پدرهای شکسته کارگاه و جسد شریکش رو به رو شده است. اظهارات او در همان صحنه جنایت و عجله او برای بردن دفتر حساب مالی کارگاه باعث شد کارآگاهان به او مظنون شده و از وی بیشتر بازجویی کنند و در ادامه طولی نکشید که حمید لب به اعتراف گشود و راز جنایتش را فاش کرد.

متهم در بازجویی‌ها گفت: از مدت‌ها قبل با مقتول اختلاف حساب داشتم و کینه او را به دل گرفته بودم تا اینکه یک روز تصمیم گرفتم او را بکشم و به این اختلاف پایان دهم. روز حادثه حامد از من خواست که دارویی برای خوب شدن سردردش پیدا کنم من هم فرصت را مغتنم دیدم و با تزریق مسکن قوی ابتدا او را بیهوش کردم و بعد با چاقویی که همراهم برده بودم گلوئی او را بریدم. بعد هم در را بستم و از دفتر خارج شدم و به خانه رفتم. روز بعد به آنجا برگشتم و با صحنه‌سازی و شکستن در طوری وانمود کردم که انگار سارقان به کارگاه آمده و شریکم را کشته‌اند بعد با برادران مقتول تماس گرفتم.

متهم پس از اعتراف به جنایتی که مرتکب شده بود بازداشت شد و در حالی پای میز محاکمه در شعبه یکم دادگاه کیفری استان البرز ایستاد که خواهران و برادران مقتول خواستار قصاص متهم شدند. متهم در جلسه دادگاه با ابراز پشیمانی از جرمی که مرتکب شده بود پس از تفهیم اتهام، قتل را پذیرفت. این متهم درباره انگیزه‌اش گفت: به خاطر مسائل مالی من و حامد از مدت‌ها قبل با هم اختلاف داشتم و من به او بدهکار بودم نمی‌دانم چه شد که به قتل او افتادم. ولی الان واقعا پشیمان هستم و امیدوارم خانواده مقتول مرا ببخشند. پس از پایان جلسه دادگاه قضات وارد شور شده و با توجه به درخواست اولیای دم، متهم را به خاطر قتل عمد به قصاص محکوم کردند.

سفر به دور ایران بعد از جنایت

گروه حوادث/ قاتل فراری که پس از سفر ایرانگردی به تهران برگشته بود، ۴ ماه پس از جنایت در یک رستوران دستگیر شد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از ۱۱ بهمن سال ۱۴۰۰ و به دنبال مرگ مرد ۵۰ ساله‌ای در بیمارستان سوانح سوختگی پایتخت به دستور بازپرس جنایی اعلام شد. در تحقیقات صورت گرفته مشخص شد مرد میانسال به نام مهدی، در طبقه چهارم برج نگین دفتر کار داشته و ۶ بهمن، وقتی با پسرش داخل دفتر بوده یکی از دوستانش وارد آنجا شده و پس از ریختن بنزین روی مهدی و وسایل داخل دفتر آنجا را به آتش کشیده و فرار کرده است.

بنابراین موضوع به آتش‌نشانی اعلام شد و با اطفای حریق مهدی که دچار ۸۰ درصد سوختگی شده بود و پسرش که از ناحیه دست و صورت آسیب دیده بود به بیمارستان منتقل شدند. اما ۵ روز پس از آتش‌سوزی، مرد ۵۰ ساله به علت شدت سوختگی تسلیم مرگ شد. **■ اختلاف مالی** تحقیقات از خانواده مقتول و مدارک به دست آمده نشان داد که این جنایت به خاطر اختلافات مالی بوده است. با شناسایی عامل جنایت به نام هومن، به دستور بازپرس شعبه

دهم دادسرای امور جنایی پایتخت، کارآگاهان جنایی وارد عمل شدند تا متهم را دستگیر کنند. اما زمانی که کارآگاهان اداره دهم به خانه هومن رفتند، مشخص شد که مرد جوان متواری شده است. تحقیقات برای یافتن هومن ادامه داشت تا اینکه کارآگاهان آگاهی مطلع شدند متهم پس از ماه‌ها به تهران بازگشته و در رستورانی در خیابان شیخ بهایی مشغول به کار است.

■ بیعانه دوپست میلیونی با مشخص شدن مخفیگاه متهم جوان، پس از هماهنگی‌های قضایی با بازپرس محمد تقی شعبانی، کارآگاهان موفق به دستگیری هومن شدند. مرد جوان در تحقیقات به جرم خود اعتراف کرد و گفت: مقتول در کار گرفتن وام بود و من ۲۰۰ میلیون تومان به او پول دادم تا وام ۵ میلیارد تومانی برایم بگیرد. مدتی که گذشت و متوجه شدم از وام خبری نیست، به سراغ او رفتم و گفتم نمی‌خواهد برام وام بگیرد و درخواست اصل پولم را کردم. او هم به من یک چک دوپست میلیون تومانی داد اما زمانی که برای وصول چک رفتم، متوجه شدم چک جعلی است و بازداشت شدم. ۵ روزی که بازداشتگاه بودم که مقتول مرا آزاد کرد. بعد از آن هر بار به سراغ پولم رفتم بهانه‌ای آورد و دو ماه از این ماجرا گذشت.

به دستور بازپرس جنایی، متهم در اختیار اداره آگاهی قرار گرفت و تحقیقات در این رابطه ادامه دارد.

بعد از دو ماه، وقتی دیدم حتی دوپست میلیون تومانی را هم نمی‌توانم پس بگیرم، ظرف بنزینی تهیه کرده و به دفترش رفتم. قصدم کشتن او نبود، اما به خاطر شتابانیت روی وسایل داخل دفتر بنزین ریختم. در این لحظه او و پسرش با من درگیر شدند که بنزین روی آنها هم ریخت، وقتی پسرش مرا کتک زد و به زمین افتادم از شدت عصبانیت فندکی که در دستم بود را روشن کردم.

متهم جوان ادامه داد: بعد از آتش‌سوزی، از آنجا فرار کردم و چند روز بعد هم از مرگ مهدی با خبر شدم. من که می‌دانستم پلیس در تعقیبم است و به خاطر قتل بازداشت می‌شوم به شهرستان محل زندگی‌ام رفتم و زمینی که داشتم را فروختم. با پول زمین شروع به ایرانگردی کردم، با خودم گفتم قبل از دستگیری بهتر است دیدنی‌های ایران را ببینم و با پایان مسافرتم به تهران آمده و در رستورانی مشغول به کار شدم. من کارخانه‌دار بودم و وضع مالی خوبی داشتم اما نوسانات بازار باعث شد که ورشکسته شوم و در نهایت به اینجا برسم.

به دستور بازپرس جنایی، متهم در اختیار اداره آگاهی قرار گرفت و تحقیقات در این رابطه ادامه دارد.



گروه حوادث/ حادثه‌راندگی بین نسیان وانت حامل سوخت قاچاق با یک دستگاه پژو ۴۰۵ که اسکورت این خودرو را بر عهده داشته موجب مرگ هر ۲ راننده بر اثر آتش‌سوزی شد. به گزارش خبرنگار فارس، سرهنگ فرهاد چراغی فرمانده انتظامی سیریک در این باره گفت: در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر حادثه‌راندگی در حوزه جومحله سیریک- میناب، بلافاصله مأموران به محل اعلامی اعزام شدند. در بررسی‌های اولیه مشخص شد یک دستگاه خودروی نسیان حامل سوخت قاچاق بوده و یک دستگاه پژو ۴۰۵ آن را اسکورت می‌کرده است. راننده خودروی پژو

وی افزود: سارقان در مسیر روستاهای درب خزینه به سلامات شوشتر در تور واحدهای گشت پاسگاه انتظامی دهستان مدرس گرفتار شدند و هم‌اکنون خودروی حمل جنایه توقیف شده و علاوه بر دستگیری راننده، چهار نفر دیگر از همدستان وی که در حال سرقت از حوضچه‌های پرورش ماهی بودند نیز شناسایی شده‌اند و تحت پیگرد هستند.

راندنده خودروی حمل جنازه سارق از آب درآمد

گروه حوادث/ راننده یک باند سرقت که با خودروی حمل جنازه در دهستان مدرس شهرستان شوشتر اقدام به سرقت می‌کرد، توسط پلیس دستگیر شد. به گزارش ایرنا، سرهنگ روح‌الله بیگدلی فرمانده انتظامی شوشتر در این باره گفت: این باند سرقت با خودروی حمل جنازه و به صورت شبانه، اقدام به سرقت شبکه فشار متوسط برق و سرقت مسلحانه می‌کردند.

آمبولانس‌ها ناجی هستند نه مزاحم

اینکه می‌گویند انسان از فرمایش خبر ندارد مصداق بارز اقدام نسنجیده‌ای است که راننده یک اتوبوس در روز سه‌شنبه گذشته بدون توجه به عواقب آن مرتکب شد! پنجر کردن دو لاستیک آمبولانس اورژانس تهران که باعث دیر رسیدن بیمار ۲ ساله به بیمارستان و مرگ او شد. شاید آن لحظه راننده اتوبوس به تصور خودش می‌خواست به نوعی راننده آمبولانس را ادب کند که چرا در خط ویژه پارک کرده و باعث انسداد مسیر شده، یا شاید گرمی هوا و مشکلات دیگری او را به حدی رسانده که چنین تصمیم اشتباهی گرفته است. اما به واقع نه این دلایل و نه هیچ دلیل دیگری نمی‌تواند این اقدام اشتباه راننده اتوبوسی که ۲ لاستیک خودروی آمبولانس در حال مأموریت را پنجر کرده توجیه کند. در همه جای دنیا خودروی آمبولانس یعنی ناجی و همراهی و همکاری و تعامل با آن یعنی کمک به نجات یک انسان، اما چرا در کشور ما برخی بر این باورند که خودروی اورژانس و سرنشینان آن هیچ فرقی با سایر خودروها ندارند؟ بی شک حادثه تلخی که روز سه‌شنبه در خیابان شهید بهشتی تهران رخ داد بسیار تکان دهنده بود. خودروی اورژانس بنا بر اضطرار در کمک‌رسانی به کودکی ۲ ساله به خاطر نبودن جای پارک به ناچار در خط ویژه توقف کرد و تکنسین‌ها حدود ۲۰ دقیقه در مطب پزشکی که کودک دچار ایست تنفسی - قلبی شده عملیات CPR را انجام می‌دهند اما تکنسین‌ها و پزشک به این نتیجه می‌رسند که کودک باید به بیمارستان منتقل شود تا شاید با تجهیزات و داروهای لازم احیا شود، اما از آن سو راننده اتوبوس که تنها به عبور بی‌دردسر خود می‌اندیشیده بدون هیچ فکری از خودرواش پیاده شده، لاستیک‌های آمبولانس را پنجر و سپس سوار بر اتوبوشش شده و محل را ترک می‌کند. شاید حتی مقابل مسافرانش به خود بالیده و قیافه حق به جانی هم گرفته غافل از آنکه این کارش به قیمت پریر شدن یک طفل بیگناه و عزا دار شدن یک خانواده تمام شده است. به‌طور قطع راننده اتوبوس حالا دیگری یک تخلف ساده مرتکب نشده، چرا که اگر اثبات شود وی در مرگ کودک نقش داشته با اتهام قتل شبه عمد روبه‌رو خواهد بود!

این موضوع را هم باید در نظر داشت وقتی در خبرهایی می‌شنویم که مثلا سلبریتی‌ها، افراد متمول و... از آمبولانس‌های خصوصی برای تسریع در عبور و مرورشان استفاده می‌کنند، باعث می‌شود برخی احساس کنند که آمبولانس‌ها را نباید جدی گرفت. این را می‌توان در رفتار برخی افراد هنگام مشاهده خودروهای آمبولانس در خیابان‌ها هم دید. البته مسئولان اورژانس کشور معتقدند استفاده افراد غیرمرتبط از خودروهای اورژانس کشور با سیستم‌هایی که روی خودرو نصب شده تقریباً غیرممکن است، چرا که این خودروها بر اساس مأموریت اعلام شده و نشانی مشخص و تنها با جی‌پی‌اس می‌توانند حرکت کنند و راننده خودرو اگر مسیری را غیر از موقعیتی که در مأموریت‌ها برایش مشخص شده حرکت کند، یک تخلف محسوب می‌شود. با این حال نکته مهم این است که بی‌توجهی به خودروهای آمبولانس از سوی برخی شهروندان نشان می‌دهد که در این زمینه به‌درستی فرهنگسازی نکرده‌ایم و رفتار صحیح در قبال خودروهای امدادی را باید به همه افراد جامعه در دوران تحصیل به عنوان یک ضرورت آموزش داد.

سرق‌ت فروش های دستباف برای انتقام از صاحبکار

گروه حوادث/ کارگر اخراجی قالیبویی که برای انتقام از صاحبکارش فروش‌های دستباف مشتری‌ها را می‌فروخت، شناسایی و دستگیر شد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده با شکایت مرد جوانی که مدعی بود فروش‌های دستبافش که برای شست‌وشو به یک قالیبویی داده به سرق‌ت رفته است، آغاز شد. وی در توضیح بیشتر گفت: همیشه فرش‌هایم را به یک قالیبویی می‌دهم و از آنجایی که مدت‌هاست از کارشان راضی بودم، شماره تماس یکی از کارگرها را داشتم و برای شستن فرش‌هایم مستقیماً با خود او تماس می‌گرفتم. این بار هم با همان کارگر که نامش بهنام بود، تماس گرفتم و چند تخته فرش دستباف‌م را به او تحویل دادم. پس از گذشت چند روز که دیدم فرش‌ها را برابرم نیارودند با همان کارگر تماس گرفتم اما تلفن همراهش خاموش بود. بلافاصله به قالیبویی‌م زنگ زدم که متوجه شدم بهنام از قالیبویی اخراج شده و فرش‌هایم را هم اصلاً به قالیبویی نبرده است. پس از ثبت شکایت و در حالی که مأموران به دنبال کارگر اخراجی بودند، با شکایت‌های مشابه دیگری مواجه شدند و در ادامه بهنام بازداشت شد. وی در بازجویی‌های اولیه به سرق‌ت فرش‌ها اعتراف کرد و گفت: شب عید با صاحب قالیبویی اختلاف پیدا کردم و پس از ۸ سال کار در قالیبویی اخراج شدم. حتی ۸ میلیون تومان از طلبم را هم نداد. از آنجایی که برخی از مشتری‌های ثابت قالیبویی به من اعتماد داشتند و مستقیماً با خودم تماس می‌گرفتند، تصمیم گرفتم برای انتقام از صاحبکارم فرش‌هایی را که به صورت مستقیم به من می‌دهند به قالیبویی نبرم و خودم در یکی از سایت‌های فروش کالای دست دوم بفروشم. با اعتراف متهم، تحقیقات برای دستگیری مالخر فرش‌های سرق‌تی ادامه دارد.

اعتراف پسر شرور به قتل مادر

گروه حوادث: پسر شرور که به خاطر اختلاف بر سر پول مادرش را به قتل رسانده بود، از سوی پلیس دستگیر شد. «سرهنگ بدالله طهماسبیان» فرمانده انتظامی شهرستان قرچک در این باره بیان داشت: در پی اعلام گزارش ۱۱۰ مبنی بر فوت خاتمی ۶۵ ساله در شهرستان قرچک، کارآگاهان پلیس آگاهی در محل حادثه حاضر شده و بررسی موضوع در دستور کار قرار گرفت. وی افزود: با حضور عوامل تشخیص هویت در محل مشخص شد که وی از ناحیه سر دچار خونریزی شده است. اهالی محل عنوان کردند، چند ساعت قبل از خانه وی صدای درگیری شنیده‌اند، به همین دلیل اولیای دم شناسایی و سه دختری در پلیس آگاهی حاضر شدند و بیان داشتند که مادرمان تنها زندگی می‌کرده، اما یک برادر هم داریم که به بهانه‌های مختلف با مادرمان درگیر می‌شد و از او پول طلب می‌کرد. فرمانده انتظامی شهرستان قرچک اظهار داشت: در ادامه تحقیقات این پسر احضار شد اما چون خودش به اداره پلیس مراجعه نکرد، با دستور قضایی و ردیابی‌های پلیسی دستگیر شد. این مقام انتظامی ادامه داد: متهم ابتدا منکر حضور خود در منزل مادرش شد، اما با توجه به مدارک و ادله موجود و بعد از چندین ساعت تحقیقات مستمر لب به اعتراف گشود و بیان کرد، در روز حادثه به منزل مادرم رفتم، و با او درگیر شدم مادرم را به سمت عقب هل دادم که از پشت با چهارچوب در و سپس بخاری برخورد کرد و به زمین افتاد و زمانی که دیدم نبض مادرم ضعیف است، منزل را ترک کرده و متواری شدم.

وی افزود: سارقان در مسیر روستاهای درب خزینه به سلامات شوشتر در تور واحدهای گشت پاسگاه انتظامی دهستان مدرس گرفتار شدند و هم‌اکنون خودروی حمل جنایه توقیف شده و علاوه بر دستگیری راننده، چهار نفر دیگر از همدستان وی که در حال سرقت از حوضچه‌های پرورش ماهی بودند نیز شناسایی شده‌اند و تحت پیگرد هستند.

گروه حوادث/ راننده یک باند سرقت که با خودروی حمل جنازه در دهستان مدرس شهرستان شوشتر اقدام به سرقت می‌کرد، توسط پلیس دستگیر شد. به گزارش ایرنا، سرهنگ روح‌الله بیگدلی فرمانده انتظامی شوشتر در این باره گفت: این باند سرقت با خودروی حمل جنازه و به صورت شبانه، اقدام به سرقت شبکه فشار متوسط برق و سرقت مسلحانه می‌کردند.